

تحلیلی از نتایج بررسی بودجه خانوارهای شهری ایران
در سال ۱۳۶۸

✱

مقدمه

امروزه مسئله فقر و عدالت اجتماعی یکی از موضوعاتی است که در بحث توسعه اقتصادی و اجتماعی دارای ارزش و جایگاه ویژه‌ای می‌باشد، براساس نگرش جدید و برخلاف گذشته در کشورهای در حال توسعه بین رشد و توسعه اقتصادی، توزیع عادلانه درآمدها و افزایش سطح رفاه اقتصادی برای اکثریت افراد یک جامعه (که به مفهوم کاهش فقر است) هیچگونه تناقضی وجود ندارد و زمانی سیاستهای اقتصادی - اجتماعی به عنوان سیاستهایی مناسب ارزیابی می‌گردند که بتوانند در طی یک زمان معقول، موجب کاهش فقر و افزایش سطح رفاه اقتصادی افراد گردند. لذا جهت برنامه‌ریزی صحیح و طراحی سیاستهای جدید اقتصادی و اجتماعی که در روند رشد و توسعه اقتصادی کشور منجر به تحقق اهداف مذکور گردند، دسترسی به یک سری آمار و اطلاعات، که تا حدودی بتواند تصویری روشن از معیارهای کیفی فوق را جهت ارزیابی سیاستهای مذکور ارائه بدهد، ضروری است. یکی از متداولترین آمارها و اطلاعاتی که در اکثر کشورهای دنیا جهت این‌گونه بررسیها بکار گرفته می‌شود، "نتایج بررسی بودجه خانوار" میباشد. در این مقاله سعی شده است که آثار خصوصیات اجتماعی، وضعیت مسکن و آمار هزینه‌های خانوارهای شهری در سال ۱۳۶۸ و روند این هزینه‌ها طی سالهای ۶۸-۱۳۶۱ مورد بررسی قرار گیرد. انتخاب سال ۱۳۶۸ جهت این گزارش بواسطه اهمیت اقتصادی - اجتماعی این سال برای کشور است، زیرا در این سال با پایان یافتن چند سال جنگ، کشور وارد مرحله جدیدی از حیات اقتصادی خود گردیده و سیاستگذاران کشور با علم به ضرورت تعدیل برخی سیاستهای اقتصادی - اجتماعی که طی دوران جنگ و در شرایط اضطراری بایستی بکار گرفته می‌شد و همچنین سیاستهایی که قبل از آن تاریخ اتخاذ گردیدند

بود، به فکر تجدید نظر در تصمیم‌گیریها افتادند. از طرفی سال مذکور، سال شروع اولین برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بوده و دولت به موجب این برنامه متعهد به انجام دادن مساعی لازم در جهت تحقق عدالت اجتماعی و تامین حداقل نیازهای اساسی آحاد مردم گردیده است لذا جهت طراحی هرگونه برنامه‌ریزی جدید اقتصادی و تعدیل سیاستهای گذشته، آشنائی به آثار برنامه‌ریزیهای گذشته بخصوصیات اقتصادی-اجتماعی خانوار و به تبع آن رفاه اقتصادی خانوارهای شهری (که بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند) ضروری است.

خصوصیات اجتماعی خانوارهای شهری

نظر به اینکه خصوصیات اجتماعی خانوار، دارای آثار قابل توجهی بر شرایط اقتصادی اعضای خانوار است (برای مثال سطح درآمد، میزان هزینه‌ها و ترکیب هزینه‌ها که نهایتاً در سطح رفاه اقتصادی مؤثرند)، لذا در این بخش برخی از خصوصیات خانوارها بررسی می‌شود. یکی از ویژگیهای مهم خانوار، موقعیت اجتماعی سرپرست خانوار است. براساس جداول (شماره ۱ و ۲) حدود ۳۶/۶ درصد از سرپرستان خانوارهای شهری در این سال بی‌سواد و ۳۳ درصد از آنان دارای تحصیلاتی در سطح ابتدائی یا کمتر بوده‌اند.

با توجه به اینکه درصد بالائی از سرپرستان در گروه مزد و حقوق‌بگیران قرار می‌گیرند (۴۳/۲ درصد)، لذا می‌توان نتیجه گرفت که درصد قابل توجهی از این افراد که دارای درآمدهای ثابت و بسیار اندکند در شرایط تورمی و افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها، بصورت بخشی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه درآمده و بشدت قدرت خرید خود را از دست می‌دهند (هرگاه تعدیل دستمزدها هماهنگ با نرخ تورم صورت نگیرد).

از دیگر خصوصیات اجتماعی خانوارهای شهری می‌توان به جوان بودن جمعیت این گروه اشاره نمود. برای مثال در سال ۱۳۶۸، سن بیش از نیمی از افراد خانوارهای ساکن در مناطق شهری (حدود ۵۲/۶ درصد) کمتر از ۲۰ سال بوده است. از طرفی در میان کل افراد جامعه شهری که سن آنها بالاتر از ۶ سال بوده است فقط ۲۸/۵ درصد شاغل بوده‌اند ضمن آنکه بیشترین بار تکفل بر دوش مردان قرار داشته، بطوریکه نسبت مردان شاغل حدود ۵۰ درصد و نسبت زنان شاغل ۲/۳ درصد بوده است. مجموعه این مشخصات به اضافه ویژگیهایی که بدانها اشاره گردید همراه با پایین بودن سطح تکنولوژی در وهله اول بیانگر پایین بودن سطح درآمد گروه وسیعی از خانوارهای شهری و بالطبع وجود الگویی خاص در مصرف بوده و در نهایت نمایانگر سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور است.

خصوصیات اقتصادی خانوارهای شهری

۱- وضعیت مسکن :

مسکن نیز مانند غذا یکی از احتیاجات اساسی انسان است. در قرن حاضر که شهرنشینی با سرعت زیادی توسعه یافته است، تامین مسکن و سرپناه یکی از مسائل مهم اقتصادی-اجتماعی در جوامع مختلف محسوب می‌شود و خانوارهای شهری در ایران نیز از این امر مستثنی نیستند. با توجه به اینکه ایران کشوری است در حال توسعه و معمولا" در اینگونه کشورها در مراحل اولیه توسعه اقتصادی بر اثر رشد بی رویه جمعیت و تغییرات وسیع در فرهنگ جامعه و مهاجرت نسبتا" سریع جمعیت روستایی به مناطق شهری، میزان نیاز به مسکن به سرعت در سطح شهرها فزونی یافته، در حالیکه عرضه آن به علت محدود بودن مصالح ساختمانی، کمبود نیروی انسانی و احتیاج بقیه بخشهای اقتصادی به این عوامل با سرعت کمی بالا رفته است، در نتیجه شکاف عمیقی بین عرضه و تقاضا ایجاد گردیده که البته این شکاف در مناطق مختلف شهری دارای ابعاد متفاوتی است. مشکل مسکن خانوارهای شهری در ایران را می‌توان با ارقام مربوط به بالا رفتن سریع قیمتها یا اجاره‌بهای واحدهای مسکونی نشان داد. برای مثال عدد شاخص مسکن در مناطق شهری در سال ۱۳۶۸ (نسبت به سال ۱۰۰=۱۳۶۱) در سطح ۳۰۰/۵ قرار گرفته و دارای نرخ رشدی معادل ۲۰۰ درصد در طی دوره ۶۸-۱۳۶۱ بوده است. به عبارتی هزینه مسکن نسبت به سال ۱۳۶۱ سه برابر شده است. به علاوه با مقایسه‌های میان تعداد واحدهای مسکونی در مناطق شهری و تعداد خانوارها می‌توان میزان تراکم خانوار را در واحدهای مسکونی بدست آورد، برای مثال در سال ۱۳۶۵ براساسی نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱) میزان تراکم خانوار در واحدهای مسکونی در مناطق شهری معادل ۱/۲ است، به بیان دیگر در مناطق شهری به هر خانوار یک واحد مسکونی تعلق نمی‌گیرد. البته این مقایسه نیز کاملا" نمی‌تواند مشکل مسکن را بصورتی که وجود دارد، نشان دهد، بلکه کیفیت این واحدها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. برای مثال می‌توان نوع مصالح بکار رفته در واحد مسکونی خانوار را نام برد که یکی از معیارها جهت تعیین کیفیت واحد مسکونی است.

با توجه به جدول (شماره ۴) حدود ۲۸ درصد از واحدهای مسکونی مناطق شهری کشور در سال ۱۳۶۸ از مصالح نیمه دوام و کم دوام ساخته شده است. حال اگر واحدهای مسکونی با مصالح نیمه دوام و کم دوام از کل موجودی واحدهای مسکونی کسر گردد و همچنین با کسر واحدهای مسکونی که عمری بیش از ۳۰ سال دارند، میزان تراکم خانوار در واحد مسکونی در مناطق شهری به مراتب در سطح بسیار بالاتر قرار می‌گیرد.

به دلیل عدم وجود آمار دقیق در این رابطه در سال ۱۳۶۸ و با فرض عدم تغییر قابل توجه در تراکم خانوار در واحد مسکونی طی سالهای ۶۸-۱۳۶۵ از آمار سرشماری در این قسمت استفاده شد.

بطورکلی مقدار عرضه واحد مسکونی در درجه اول به نقش دولت در نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه ارتباط دارد، زیرا در جوامعی که دولت حاکم بر امور اقتصادی و اجتماعی جامعه است، مقدار عرضه واحدهای مسکونی، به برنامه‌ها و طرحها و سیاستهای دولت در زمینه تامین خانه برای افراد جامعه بستگی داشته ولی هر قدر نقش دولت کمتر شود، متغیرهای اقتصادی بازار از قبیل قیمت خانه، موجود بودن زمین، در دسترس بودن تسهیلات اعتباری و هزینه احداث ساختمان در تعیین مقدار عرضه واحد مسکونی اثر می‌گذارد.

براساس جدول (شماره ۵) در سال ۱۳۶۸، حدود ۷۶/۵ درصد از خانوارهای شهری، مالک محل سکونت خود بوده‌اند، در حالی که فقط ۱۴/۲ درصد از خانوارها در مسکن اجاری سکونت داشته‌اند. این ارقام نشانگر تمایل خانوارها به سکونت در واحدهای ملکی است، زیرا در ایران مسکن نه فقط جنبه سرپناه دارد، بلکه بویژه در سالهای اخیر بر اثر وجود شرایط تورمی و رکود در اکثر فعالیتهای مولد اقتصادی، مسکن به زمینه مناسبی جهت سرمایه‌گذاری و همچنین ذخیره‌کننده ارزش تبدیل گردیده است.

براساس نتایج این بررسی بطور متوسط مساحت زیربنای محل سکونت خانوارهای شهری که در این سال بررسی شده‌اند حدود ۱۰۳ متر مربع بوده است. از میان کل خانوارهای شهری حدود ۶۰ درصد آنان در واحدهای مسکونی کمتر از ۱۰۰ متر مربع و ۴۰ درصد بقیه در واحدهایی که بیش از ۱۰۰ متر مربع مساحت داشته است ساکن بوده‌اند. در واقع به دلیل رشد جمعیت و تراکم آن در مناطق شهری، ارزش هر متر مربع زیربنا در این مناطق افزایش یافته است و با توجه به اینکه از نظر اقتصادی رابطه معکوسی بین مصرف یک کالای نرمال و قیمت آن وجود دارد و هر مقدار قیمت افزایش یابد میزان مصرف، تحت تاثیر دوائر جانشینی و درآمدی کاهش می‌یابد، لذا الگوی سکونت در مناطق شهری، بویژه شهرهای بزرگ به سمت سکونت در خانههایی با سطح زیربنای کم گرایش دارد، چنانکه اکثریت خانوارها از فضایی کمتر از ۱۰۰ متر مربع جهت سکونت استفاده نموده‌اند.

بعلاوه براساس جدول (شماره ۴) حدود ۶۶/۳ درصد واحدهای مسکونی از آجر و آهن و سنگ و ۱۷/۴ درصد از آجر و سنگ و چوب و ۱۰/۴ درصد از خشت و گل و چوب ساخته شده‌اند، در حالی که فقط ۵/۷ درصد واحدها از اسکلت فلزی و بتون مسلح است که این امر علاوه بر آنکه به دلیل عدم دسترسی به مصالح مرغوب و بالا بودن قیمت آنهاست از نحوه ساختمان سازی در مناطق شهری نیز ناشی می‌شود، بطوریکه بیشتر ساختمانهای مسکونی با تراکم کم احداث شده و فرهنگ سکونت در برجهای مسکونی رواج چندانی ندارد.

۲- هزینه ها :

۱- ۲- نحوه توزیع هزینه‌ها در خانوارهای شهری

یکی از ملاکهای سنجش میزان رفاه افراد، نتایج بررسی بودجه خانوار در رابطه با میزان درآمد طبقات مختلف و نحوه توزیع آن می‌باشد. اما از آنجا که برخی از خانوارها از میان درآمدهای واقعی خود (بویژه در طبقات بالای درآمدی) خودداری می‌نمایند و از طرفی با توجه به آنکه طبق نظریه درآمد دائمی فریدمن، مصرف تحت تاثیر درآمد دائمی (درآمد جاری قطع نظر از درآمدهای زودگذر) است و هزینه نسبت به درآمد از ثبات بیشتری برخوردار بوده و بهتر می‌تواند بیانگر رفتار مصرف خانوارها باشد، لذا در این بررسی از آمار و اطلاعات مربوط به چگونگی توزیع هزینه خانوارها جهت تشریح نحوه توزیع درآمد استفاده می‌شود. بعلاوه در طی سالهای گذشته دولت با سهمیه‌بندی کالاهای مصرفی و ضروری و پرداخت سوبسید برای برخی از کالاها اثر قابل توجهی بر نحوه توزیع هزینه‌ها داشته است، لذا به منظور کسب نتایج دقیق‌تر، لازم است متغیرهای گوناگون تاثیرگذار بر نحوه توزیع هزینه‌ها نیز مورد توجه قرار گیرند. با توجه به این توضیحات به تشریح چگونگی توزیع هزینه‌ها در خانوارهای مناطق شهری کشور می‌پردازیم. به منظور نشان دادن چگونگی توزیع هزینه‌ها و برای آنکه مقایسه طبقات مختلف هزینه با یکدیگر به سادگی امکان پذیر باشد، خانوارها از نظر میزان هزینه (از کمترین تا بیشترین هزینه) طبقه‌بندی شده و به ده گروه یا دهک (هر دهک شامل ده درصد کل خانوارهای مورد بررسی) تقسیم گردیده‌اند.

بر اساس نتایج این بررسی در سال ۱۳۶۸، حدود ۴۰ درصد خانوارهای کم‌هزینه معادل ۱۴/۸ درصد کل هزینه‌ها و ۴۰ درصد خانوارهای با هزینه متوسط حدود ۳۸/۱ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند، در حالی که فقط حدود ۲۰ درصد خانوارهای پر هزینه ۴۷/۱ درصد هزینه کل جامعه شهری را داشته‌اند. این ارقام بیانگر این واقعیت است که در سال مورد بحث برغم وجود سیستم سهمیه‌بندی و توزیع کوپنی کالاها، نابرابری شدیدی در توزیع هزینه‌ها در بین خانوارهای شهری بویژه پایین‌ترین طبقات و بالاترین آنها وجود داشته است. مقایسه ارقام هزینه‌های دهک اول (ده درصد فقیرترین خانوارها) و دهک آخر (ده درصد ثروتمندترین خانوارها) یکی از روشهای اندازه‌گیری نابرابری در توزیع هزینه‌ها یا به عبارتی، توزیع درآمدها می‌باشد. بعنوان مثال بر اساس جدول شماره ۶ متوسط هزینه ناخالص سالیانه در میان خانوارهای دهک اول (با بعد ۲/۸ نفر) حدود ۴۱۵ هزار ریال بوده در حالی که میزان هزینه در خانوارهای دهک آخر (با بعد ۵/۴ نفر) حدود ۷،۳۲۸ هزار ریال یعنی تقریباً " معادل ۱۷/۶ برابر خانوارهای دهک

اول است (۱). این نابرابری شدید در هزینه‌ها را می‌توان به طرز دقیق‌تری در رابطه با گروه‌های اصلی هزینه و در بین دو دهک نیز مشاهده نمود. برای مثال خانوارهای دهک آخر کمی بیش از ۱۵ برابر خانوارهای دهک اول، هزینه‌های خود را به‌صرف خوراک و دخانیات اختصاص داده و در حدود ۶۴ برابر آنرا هزینه پوشاک نموده‌اند. همانطور که انتظار می‌رود در میان گروه‌های اصلی هزینه، هرچه از کالاهای ضروری (مانند خوراک) به سمت کالاهای کمتر ضروری یا حتی لوکس حرکت نمائیم، نابرابری در توزیع هزینه‌ها شدیدتر می‌گردد، بطوریکه میزان هزینه‌های حمل و نقل و ارتباطات، تفریح و سرگرمی دهک آخر بترتیب ۹۰ و ۹۶ برابر هزینه‌های مذکور در خانوارهای دهک اول است. لازم به توضیح است که حتی چنانچه ارقام هزینه‌ها در جدول مذکور بصورت سرانه نیز در نظر گرفته شود، بازهم میزان اختلاف بین هزینه‌های دو دهک مذکور بسیار شدید است. از طرفی براساس جدول (شماره ۷) در تمامی دهکها بجز دهک اول (که در آن دهک، مسکن دارای بیشترین سهم در کل هزینه‌های خانوار می‌باشد)، سهم هزینه خوراک و دخانیات بالاترین رقم هزینه خانوارهاست و بعد از آن مسکن و پوشاک بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهند. توجه این خصیصه می‌توان این نکته را یادآور شد که وقتی به گروه هزینه خوراک و دخانیات، مسکن یا پوشاک اشاره می‌شود نباید فراموش نمود که این گروهها مجموعه‌ای از بسیاری از کالاهای جانشین و یا حتی ناهمگن را شامل می‌گردند. لذا نبایستی به گروه خوراک صرفاً بعنوان یک کالای ضروری واحد نگریست زیرا بیشتر شدن درآمد خانوارها، در ابتدا موجب تغییر کیفیت و نوع مواد خوراکی مصرفی آنها می‌شود. در واقع الگوی مصرف خانوارها با افزایش درآمدها از کالاهای ضروری در هر گروه به سمت کالاهای کمتر ضروری یا حتی لوکس در همان گروه و در سایر گروهها حرکت می‌نماید و بواسطه بروز این پدیده است که امروزه نظریه پردازان علم اقتصاد توسعه هیچگونه تناقضی بین رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمدها نمی‌بینند، زیرا بنا به نظریه سنتی رشد، برای اینکه کشوری بتواند به رشد و توسعه اقتصادی دست یابد بایستی درصد خاصی از ارزش افزوده ایجاد شده در آن کشور پس‌انداز شود و وارد پروسه سرمایه‌گذاری گردد. برای تحقق این امر بایستی در مراحل اولیه رشد و توسعه، مکانیزم توزیع ناعادلانه درآمدها وجود داشته باشد، تا از طریق این مکانیزم درآمد قابل توجهی در دست گروهی از اقشار جامعه که عموماً "ازمیل نهائی به پس‌انداز

۱- اختلاف بعد خانوار در دو دهک به دلیل طبقه‌بندی خانوارها در دهکها براساس هزینه‌های آنان است، واضح است خانوارهایی که در پایین‌ترین دهک هزینه‌ای قرار می‌گیرند، عموماً دارای کمترین اعضا، نیز می‌باشند و این اختلاف فقط در پایین‌ترین دهک مشاهده می‌شود و در سایر دهکها، بعد خانوار در حول و حوش متوسط بعد خانوار برای کل خانوارهای شهری در این سال می‌باشد.

بالائی نیز برخوردارند، تجمع یابد، تا از این طریق وارد پروسه سرمایه‌گذاری و تولید مجدد گردد. ولی امروزه این مکانیزم در کشورهای در حال توسعه بواسطه خصلت مصرف‌گرایی طبقات بالای درآمدی و میل نهایی به مصرف بسیار بالای آنها، بسیار ضعیف است. البته اینکه چرا با افزایش درآمدها و به تبع آن هزینه‌ها در گروههایی مانند خوراک، پوشاک و مسکن درصد بیشتری صرف کالاهای لوکس می‌گردد و در سایر گروهها مانند گروه تفریح، تحصیل و مطالعه به میزان کمتری صرف می‌شود، علاوه بر عامل اقتصادی قیمت که برای تمامی کالاها در شرایط تورمی به یکسان افزایش نمی‌یابد (این افزایش برای گروهی از کالاها کمتر و برای بعضی دیگر بیشتر می‌باشد)، عامل مربوط به شرایط فرهنگی و اجتماعی نیز دارای تاثیر قابل توجهی است.

همانطور که در جدول (شماره ۷) مشاهده می‌گردد سهم هریک از گروههای هزینه‌ای از کل هزینه‌ها با حرکت از دهک پایین به سمت دهک بالا، در رابطه با کالاهای ضروری مانند خوراک و دخانیات و مسکن، کاهش یافته ولی در رابطه با کالاهای لوکس مانند حمل و نقل و ارتباطات، لوازم و اثاث خانه افزایش می‌یابد. بطور کلی اختلاف شدیدی بین قدرت خرید در دهک آخر (ده درصد ثروتمندترین خانوارهای جامعه شهری) و دهک اول (ده درصد فقیرترین خانوارهای جامعه شهری) وجود دارد.

۲-۲- مقایسه روند هزینه‌ها در سال‌های ۶۸-۱۳۶۱

در این بخش به بررسی مقایسه‌ای در رابطه با قدرت خرید واقعی خانوارهای شهری در طی دوره زمانی ۶۸-۱۳۶۱ می‌پردازیم. براساس جداول (شماره ۸ الی ۱۱) با وجود افزایش متوسط هزینه ناخالص سالیانه یک خانوار شهری به قیمت جاری از ۹۲۴ هزار ریال به ۲،۴۳۳ هزار ریال، قدرت خرید واقعی خانوارهای سطح ۷۸۸ هزار ریال تنزل پیدا کرده است و چنانچه سال ۱۳۶۱ را به عنوان سال پایه و عدد ۱۰۰ در نظر بگیریم این رقم به ۸۴/۴ در سال ۱۳۶۸ رسیده و به عبارت دیگر قدرت خرید خانوارها به حدود ۸۴ درصد در سال ۱۳۶۱ تنزل یافته است. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد، با وجود سیر صعودی هزینه‌های هر سال نسبت به سال قبل، امکانات خانوارها در مقایسه با سالهای ماقبل محدودتر گردیده است. این روند نزولی امکانات در گروههای اصلی کالاها و خدمات نیز به وضوح مشاهده می‌شود. به عنوان مثال با وجود افزایش متوسط هزینه خوراک و دخانیات یک خانوار شهری (براساس قیمت‌های جاری) از سطح ۳۶۳ هزار ریال در سال ۱۳۶۱ به ۹۵۸ هزار ریال در سال ۱۳۶۸، هزینه مذکور به قیمت ثابت نسبت به سال ۱۳۶۱ دارای کاهشی معادل ۹/۹ درصد بوده و در سطحی برابر ۳۴۱ هزار ریال قرار می‌گیرد و یا هزینه گروه پوشاک که در دوره مورد بررسی، بالاترین افزایش را به قیمت‌های جاری نشان می‌دهد (پس از تعدیل

بر اساس شاخص قیمت‌های این گروه) عدد شاخص مربوط به آن در سال ۱۳۶۸ نسبت به سال ۱۳۶۱ به ۷۴ تنزل پیدا کرده است. تنها گروهی از هزینه‌ها که قدرت خرید واقعی خانوار در رابطه با آن گروه افزایش پیدا کرده و عدد شاخص آن بر پایه سال ۱۳۶۱=۱۰۰ به ۱۳۴ رسیده است، گروه درمان و بهداشت می‌باشد که به منزله افزایش کمی کالاها و خدمات موجود در این گروه در سبد مصرفی خانوارهاست.

بطور کلی آمار و ارقام ارائه شده در این بخش بیانگر وجود پدیده تورم، بویژه در مناطق شهری کشور در طی سالهای مورد بحث است. افزایش مداوم سطح عمومی قیمت‌ها یا به عبارتی تورم، نتیجه عدم تطابق قدرت خرید افراد با توان تولیدی جامعه است. بنابر هر علتی چنانچه شرایطی ایجاد گردد که حجم پول نسبت به کالاها افزایش یابد و یا میزان کالا نسبت به عرضه پول نقصان یابد، زمینه بروز پدیده تورم در کشور فراهم می‌گردد. در طی سالهای پس از انقلاب با کاهش درآمدهای ارزی و با توجه به تثبیت ارزش ریال در سطحی بیش از ارزش واقعی خود و ملی شدن بسیاری از صنایع، شروع جنگ تحمیلی و قرار گرفتن کشور در شرایط جنگی، لزوم دخالت دولت در صحنه فعالیت‌های اقتصادی بویژه در رابطه با تولید و توزیع بسیاری از کالاها و پایین نگه داشتن قیمت آنها جهت حمایت از اقشار محروم جامعه، پیش از پیش ضروری تشخیص داده شد و دولت نیز جهت تحقق این امر با اعمال سیاستهای انبساط پولی و مالی به تامین هزینه‌های خود اقدام نمود و با اتخاذ سیاستهای انبساط پولی و تزریق پول به اقتصاد کشور و بالا بردن سطح قدرت خرید گروهی از اقشار جامعه، موجب افزایش تقاضای موثر برای بسیاری از کالاها و خدمات شد که با توجه به ثابت بودن و در مواردی کاهش عرضه کالاها و خدمات، به ایجاد شکاف تورمی و افزایش قیمت‌ها منجر گردید و نهایتاً "قدرت خرید را در جامعه بویژه در رابطه با اقشاری که دارای درآمد ثابت بوده‌اند، کاهش داد. که این امر نیز در واقع خود به منزله برقراری نوعی مالیات محسوب می‌شود که مآلاً "موجب تغییر توزیع درآمد در سطح جامعه به ضرر اقشار کم درآمد و یا درآمد متوسط (عموماً مزد و حقوق‌بگیران) گردید (ساده‌ترین روش تامین کسری بودجه). از طرفی با بروز پدیده تورم در کشور در طی این سالها و عدم شناخت صحیح از این پدیده، دولت اقدام به سهمیه‌بندی بسیاری از کالاها و کنترل قیمت‌ها نمود، غافل از آنکه متغیر قیمت از تقابل دو پدیده عرضه و تقاضا، ایجاد می‌شود و متغیری نیست که بتوان آن را تعیین و یا مستقیماً کنترل نمود. لذا با اتخاذ سیاست تثبیت قیمت‌ها و در سرلوحه آن قیمت ارز و تخصیص اداری کالاها و منابع و تداوم این سیاستها، موجب تخصیص نامطلوب منابع کشور گردید و نتیجتاً "به تولید و عرضه کالاها لطمه وارد آورد که خود موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها را به دنبال داشت.

امروزه بر هیچکس پوشیده نیست که اقتصاد کشورهای در حال توسعه، بدون دخالت دولت در تنظیم فعالیتهای اقتصادی نمی‌تواند مسیر خود را در جهت رشد و توسعه اقتصادی طی نماید و شک نیست که بسیاری از هزینه‌های دولت بخصوص آنچه که مربوط به هزینه‌های جنگ بوده، هزینه‌های اجتناب‌ناپذیری است. اما بحث بر سر نحوه تامین این هزینه‌هاست. قطعاً "تامین این هزینه‌ها از طریق تزریق پول به اقتصاد و ایجاد تورم، ساده‌ترین و درعین حال زیانبارترین روشها به‌شمار می‌آید، زیرا بار هزینه‌های دولت را به دوش اقشاری می‌اندازد که هدف اساسی دولت، حمایت از آنهاست. بعلاوه بحث بر سر عدم شناخت پدیده تورم است، به این مفهوم که اگر ریشه این پدیده به درستی شناخته نشود، موجب تاکید نادرست سیاستهای اقتصادی بر کنترل قیمتها و در سرلوحه آن قیمت ارز و اتخاذ سیاستهای سهمیه‌بندی برای جلوگیری از بروز پدیده تورم می‌گردد. بطورکلی جهت حمایت از اقشار محروم جامعه و بالا بردن سطح رفاه اقتصادی خانوارها که پس از انقلاب اسلامی همواره جزئی از اهداف دولت بوده‌است، نمونها بایستی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی نامناسب در کشور دستخوش تحول گردد بلکه بایستی یک تجدیدنظر اساسی نیز در سازماندهی اقتصاد کشور انجام گیرد و این واقعیت اقتصادی همواره مدنظر باشد که ثبات قیمتها در گرو تنظیم سیاستهای صحیح پولی و مالی همراه با توجه خاص به عرضه کل است و در این مسیر باید با اجرای سیاستهای اقتصادی صحیح و مناسب کمر به حمایت از اقشار محروم جامعه بست.

جدول شماره ۱
درصد توزیع خانوارها برحسب میزان سواد سرپرست

تحصیلات	تحصیلات	تحصیلات	تحصیلات	تحصیلات	سواد خواندن و نوشتن	بیسواد	سال
علوم دینی	دانشگاهی	دبیرستانی	دوره راهنمایی	ابتدایی			
۰/۵	۶/۳	۱۸/۴	۵/۳	۲۶/۹	۶/۱	۲۶/۶	۱۳۶۸ سال

جدول شماره ۲

درصد توزیع خانوارها برحسب سمت درشغل سرپرست

کارکنان فامیلی و کارآموزان بدون مزد	کارکنان	کارکنان	موسسات دولتی	موسسات خصوصی	کارکنان مستقل	کارفرمایان	کارمندان فعالیت بیگار و بدون فعالیت اقتصادی	سال
۰/۱	۱۷/۸	۲۵/۴	۲۹/۹	۶/۵	۲۰/۳	۱۳۶۸ سال		

جدول شماره ۳
شاخص کالاها و خدمات مصرفی در سالهای ۶۸-۱۳۶۱

۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱
۴۲۳/۸	۲۷۵/۷	۲۱۳/۹	۱۶۷/۵	۱۳۵/۴	۱۲۶/۷	۱۱۴/۸	۱۰۰/۰
۲۸۱/۲	۲۴۳/۸	۲۰۵/۳	۱۷۲/۳	۱۳۴/۰	۱۲۱/۸	۱۱۱/۴	۱۰۰/۰
۴۴۱/۰	۴۲۲/۰	۲۰۶/۹	۱۴۶/۵	۱۳۵/۱	۱۲۵/۹	۱۲۳/۳	۱۰۰/۰
۳۰۰/۵	۲۵۶/۵	۲۰۱/۱	۱۶۳/۳	۱۳۶/۳	۱۲۶/۳	۱۱۴/۴	۱۰۰/۰

شاخص کل
خوراک و دخانیات
پوشاک
مسکن، سوخت و روشنایی

جدول شماره ۴

درصد توزیع مسکن خانوارها برحسب نوع مصالح عمده بهکار رفته در ساختمان محل سکونت

اسکلت فلزی و بتون (بادوام)	چوب و گل و چوب (کم‌دوام)	آجر و سنگ و چوب (بیم‌دوام)	آجر، آهک و سنگ (بادوام)
۵/۷	۱۰/۴	۱۷/۴	۶۶/۳

سال ۱۳۶۸

جدول شماره ۵
درصد توزیع خانوارها برحسب نحوه تصرف مسکن

رگان	دربار خدمت	اجاری	ملکی
۸/۱	۱/۲	۱۴/۲	۷۶/۵

سال ۱۳۶۸

جدول

متوسط هزینه ناخالص سالیانه یک خانوار شهری

(ریال)

متوسط افراد خانواده	متوسط برای یک خانوار	دهک اول تا ۶۴۰,۰۰۰	دهک دوم تا ۶۴۰,۰۰۱ ۹۲۰,۰۰۰	دهک سوم تا ۹۲۰,۰۰۱ ۱,۰۱۹۰,۰۰۰
	۴/۹	۲/۸	۴/۳	۴/۸
جمع کل هزینه ناخالص	۲۰۴۲۲,۸۹۳	۴۱۵,۱۹۷	۷۸۸,۱۶۲	۱,۰۵۲,۰۷۸
خوراک و دخانیات	۹۵۸,۴۱۴	۱۶۸,۱۷۱	۳۲۴,۸۴۳	۴۲۴,۶۵۰
پوشاک	۲۴۲,۷۱۰	۱۲,۳۱۶	۲۶,۳۶۶	۶۵,۸۶۵
مسکن، آب، سوخت و روشنایی	۶۴۷,۳۲۹	۱۸۳,۷۳۰	۳۰۹,۰۹۶	۴۰۱,۰۹۵
لوازم و اثاث خانه	۱۴۸,۳۳۲	۱۰,۳۹۱	۲۵,۸۵۲	۳۷,۰۶۲
درمان و بهداشت	۸۲,۹۶۱	۱۱,۹۹۱	۲۰,۳۷۲	۲۶,۷۲۵
حمل و نقل و ارتباطات	۱۶۸,۷۹۴	۱۰,۲۱۲	۲۱,۴۵۴	۳۰,۷۲۲
تفریح، تحصیل و مطالعه	۴۴,۸۰۶	۳,۰۶۴	۹,۵۰۵	۱۴,۳۹۱
الف - تفریح و سرگرمی	(۱۹,۶۱۸)	(۸۲۴)	(۲,۴۶۴)	(۵,۵۸۷)
ب - تحصیل، آموزش و مطالعه	(۲۵,۱۸۸)	(۲,۲۴۰)	(۶,۰۴۱)	(۸,۸۰۴)
کالاها و خدمات متفرقه	۱۲۹,۵۴۷	۱۵,۳۲۲	۲۹,۸۰۳	۵۰,۱۳۵

۱- هزینه خانوارها بصورت صعودی مرتب شده و در هر دهک ده درصد خانوارها قرار گرفته‌اند.

به تفکیک گروههای اصلی هزینه برحسب دهکها سال ۱۳۶۸

دهک چهارم تا ۱,۱۹۵,۰۰۰	دهک پنجم تا ۱,۵۵۰,۰۰۰	دهک ششم تا ۱,۸۰۰,۰۰۰	دهک هفتم تا ۲,۲۰۰,۰۰۰	دهک هشتم تا ۲,۷۰۰,۰۰۰	دهک نهم تا ۳,۵۰۰,۰۰۰	دهک دهم بیشتر ۴,۹۰۰,۰۰۰
۲/۹	۵/۰	۵/۲	۵/۴	۵/۲	۵/۴	۵/۴
۱۰,۳۲۸,۳۱۸	۱۰,۶۶۱,۰۱۵	۲,۰۱۷,۹۱۴	۲,۴۸۸,۴۰۲	۳,۰۵۷,۷۲۷	۴,۰۵۷,۱۰۳	۷,۰۳۲,۸۱۴
۵۷۰,۱۴۲	۷۱۷,۹۴۲	۸۷۶,۳۲۳	۱,۰۱۴,۹۰۵	۱,۰۲۵,۵۲۶	۱,۰۶۶,۷۲۹	۲,۰۵۶,۱۷۳
۹۰,۰۴۲	۱۲۹,۶۵۸	۱۹۲,۷۱۰	۲۳۰,۲۸۷	۳۷۰,۱۳۵	۴۹۹,۹۵۰	۷۸۸,۶۳۱
۴۴۶,۵۴۵	۵۳۲,۴۶۱	۶۰۵,۳۰۶	۷۰۱,۹۲۵	۸۳۳,۶۳۲	۹۸۵,۴۱۶	۱,۰۴۸,۰۳۴
۶۴,۰۴۱	۷۱,۶۱۴	۹۶,۷۹۵	۱۵۱,۶۳۰	۱۷۸,۸۰۷	۲۵۴,۴۹۲	۵۹۰,۵۷۶
۳۶,۴۰۱	۵۱,۰۸۳	۵۷,۸۲۴	۶۹,۹۸۲	۸۴,۹۴۷	۱۱۷,۵۷۰	۳۵۲,۳۰۶
۴۲,۰۲۰	۵۲,۵۸۲	۷۶,۹۳۴	۱۳۹,۸۷۶	۱۴۰,۷۵۰	۲۵۷,۲۵۷	۹۱۴,۹۱۹
۲۳,۰۲۲	۲۷,۹۷۶	۳۳,۴۷۲	۴۰,۵۱۶	۵۴,۱۵۵	۸۵,۸۶۲	۱۵۵,۶۹۷
(۹,۴۹۳)	(۱۰,۳۱۹)	(۱۱,۴۷۴)	(۱۴,۴۲۵)	(۲۲,۳۷۵)	(۳۸,۶۲۶)	(۷۹,۵۱۱)
(۱۳,۷۳۱)	(۱۷,۶۵۷)	(۲۱,۹۹۸)	(۲۶,۰۹۱)	(۳۱,۷۸۰)	(۴۷,۲۳۷)	(۷۶,۱۸۶)
۵۶,۰۱۸	۷۷,۷۸۸	۸۸,۰۵۵	۱۳۹,۲۸۱	۱۵۰,۷۷۵	۲۰۳,۲۵۳	۴۸۳,۹۶۰

سهم هریک از گروههای اصلی هزینه ناخالص سالانه جانراهای شهری
نسبت به کل هزینه در دهکهای سال ۱۳۴۸

(درصد)

گروههای اصلی هزینه	متوسط برای دهک یک خانوار اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	دهک هشتم	دهک نهم	دهک دهم
--------------------	------------------------------	-----	-----	-------	------	-----	----------	---------	---------

جمع کل هزینه ناخالص ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰ ۱۰۰/۰

خوراک و دخانیات ۳۹/۶ ۴۰/۵ ۴۱/۲ ۴۰/۴ ۴۲/۲ ۴۳/۴ ۴۰/۸ ۴۰/۹ ۴۰/۹ ۳۵/۰

پوشاک ۱۰/۰ ۳/۰ ۵/۹ ۶/۳ ۶/۸ ۷/۸ ۹/۵ ۹/۲ ۱۲/۱ ۱۲/۳ ۱۰/۸

مسکن، آب، سوخت و روشنایی ۲۶/۷ ۲۴/۲ ۲۹/۳ ۲۸/۲ ۳۳/۶ ۳۲/۰ ۲۹/۵ ۲۸/۳ ۲۷/۲ ۲۴/۲ ۲۰/۳

لوازم و امانات خانه ۶/۱ ۲/۵ ۳/۴ ۳/۶ ۴/۹ ۴/۳ ۴/۸ ۶/۱ ۵/۸ ۶/۲ ۸/۰

درمان و بهداشت ۳/۴ ۲/۹ ۲/۶ ۲/۵ ۲/۷ ۲/۱ ۲/۸ ۲/۸ ۲/۸ ۲/۹ ۴/۸

حمل و نقل و ارتباطات ۷/۰ ۲/۵ ۲/۷ ۲/۹ ۳/۲ ۳/۲ ۳/۸ ۳/۸ ۴/۶ ۴/۳ ۱۲/۵

تفریح، تحصیل و مطالعه ۱/۹ ۰/۷ ۱/۲ ۱/۳ ۱/۷ ۱/۷ ۱/۷ ۱/۷ ۱/۷ ۱/۷ ۲/۱

تفریح و سرگرمی ۰/۸ ۰/۲ ۰/۲ ۰/۵ ۰/۷ ۰/۶ ۰/۶ ۰/۷ ۰/۷ ۰/۷ ۱/۱

تحصیل، آموزش و مطالعه ۱/۱ ۰/۵ ۰/۸ ۰/۸ ۱/۰ ۱/۱ ۱/۱ ۱/۱ ۱/۱ ۱/۱ ۱/۰

کالاها و خدمات متفرقه ۵/۳ ۲/۷ ۳/۸ ۳/۸ ۴/۲ ۴/۷ ۴/۴ ۴/۶ ۴/۹ ۵/۰ ۶/۶

جدول شماره ۸
شاخص متوسط هزینه ناخالص خانوارها به تفکیک گروههای اصلی هزینه در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸
(به قیمتهای جاری ۱۰۰ = ۱۳۶۱)

	۱۳۶۸	۱۳۶۷	۱۳۶۶	۱۳۶۵	۱۳۶۴	۱۳۶۳	۱۳۶۲	۱۳۶۱	
۲۵۹/۴	۲۳۲/۱	۱۹۹/۴	۱۸۰/۳	۱۷۸/۴	۱۶۸/۶	۱۲۷/۲	۱۰۰/۰		جمع کل هزینه ناخالص
۲۶۳/۷	۲۵۳/۹	۲۱۵/۶	۱۹۲/۵	۱۸۹/۵	۱۷۴/۳	۱۲۰/۰	۱۰۰/۰		خوراک و دخانیات
۲۲۵/۲	۲۶۰/۸	۱۹۸/۴	۱۵۶/۹	۱۶۳/۰	۱۶۲/۴	۱۲۵/۸	۱۰۰/۰		پوشاک
۲۶۳/۲	۲۱۸/۴	۱۸۷/۱	۱۷۱/۴	۱۶۷/۷	۱۵۶/۱	۱۲۳/۳	۱۰۰/۰		مسکن، آب، سوخت و روشنایی
۲۱۱/۶	۱۷۳/۰	۱۶۲/۴	۱۳۹/۷	۱۳۳/۰	۱۲۲/۴	۱۲۴/۵	۱۰۰/۰		لوازم و اثاث خانه
۲۳۰/۴	۲۱۲/۱	۱۹۶/۸	۱۹۵/۳	۱۸۷/۴	۱۶۱/۰	۱۳۱/۵	۱۰۰/۰		درمان و بهداشت
۲۳۴/۳	۱۹۹/۱	۱۹۲/۳	۱۷۳/۸	۱۸۹/۳	۱۸۳/۸	۱۶۱/۷	۱۰۰/۰		حمل و نقل و ارتباطات
۴۰۳/۷	۲۶۳/۶	۲۱۸/۸	۲۰۰/۳	۱۸۸/۹	۱۷۰/۷	۱۳۰/۳	۱۰۰/۰		تفریح، تحصیل و مطالعه
۲۴۰/۷	۲۳۴/۱	۲۰۲/۲	۲۱۶/۳	۲۰۹/۶	۱۹۶/۸	۱۳۴/۵	۱۰۰/۰		کالاهای و خدمات متفرقه

جدول

متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار طی سالهای ۱۳۶۱

(هزار ریال)

۱۳۶۴		۱۳۶۳		۱۳۶۲		۱۳۶۱		
درصد	هزینه	درصد	هزینه	درصد	هزینه	درصد	هزینه	
۱۰۰/۰	۱۰۶۶۸	۱۰۰/۰	۱۰۵۷۵	۱۰۰/۰	۱۰۱۸۸	۱۰۰/۰	۹۳۲	جمع کل هزینه ناخالص
۴۱/۳	۶۸۹	۴۰/۷	۶۴۱	۲۶/۷	۲۳۶	۳۸/۹	۳۶۳	خوراک و دخانیات
۷/۳	۱۲۲	۷/۷	۱۲۱	۸/۵	۱۰۱	۸/۰	۷۵	پوشاک
۲۴/۷	۴۱۳	۲۴/۴	۳۸۴	۲۵/۵	۳۰۳	۲۶/۳	۲۴۶	مسکن، آب، سوخت و روشنایی
۵/۶	۹۴	۶/۴	۱۰۱	۷/۴	۸۷	۷/۵	۷۰	لوازم و اثاث خانه
۴/۱	۶۷	۳/۷	۵۸	۴/۰	۴۷	۳/۸	۳۶	درمان و بهداشت
۸/۵	۱۴۲	۸/۸	۱۳۸	۱۰/۲	۱۲۲	۸/۱	۷۵	حمل و نقل و ارتباطات
۱/۷	۲۸	۱/۶	۲۵	۱/۶	۱۹	۱/۶	۱۵	تفریح، تحصیل و مطالعه
۶/۸	۱۱۳	۶/۷	۱۰۶	۶/۱	۷۲	۵/۸	۵۴	کالاها و خدمات معرکه
۲/۹۲		۴/۸۵		۴/۷۹		۴/۸۰		متوسط افراد خانوار

شماره ۹

به تفکیک گروههای اصلی هزینه درکل مناطق شهری (به قیمتهای جاری)
تا ۱۳۶۸

۱۳۶۸		۱۳۶۷		۱۳۶۶		۱۳۶۵	
درصد	هزینه	درصد	هزینه	درصد	هزینه	درصد	هزینه
۱۰۰/۰	۲۰۴۲۳	۱۰۰/۰	۲۰۱۶۸	۱۰۰/۰	۱۰۸۶۲	۱۰۰/۰	۱۰۶۸۳
۳۹/۶	۹۵۸	۲۲/۶	۹۲۳	۴۲/۱	۷۸۴	۴۲/۰	۷۰۷
۱۰/۰	۲۴۳	۹/۰	۱۹۵	۸/۰	۱۴۸	۷/۰	۱۱۷
۲۶/۷	۶۴۷	۳۴/۸	۵۳۷	۲۴/۷	۴۶۰	۲۵/۰	۴۲۱
۶/۱	۱۴۸	۵/۶	۱۲۱	۶/۱	۱۱۴	۵/۴	۹۱
۳/۴	۸۳	۳/۵	۷۷	۳/۸	۷۱	۴/۲	۷۰
۷/۰	۱۶۹	۶/۹	۱۵۰	۷/۸	۱۲۵	۷/۸	۱۳۱
۱/۹	۴۵	۱/۸	۳۹	۱/۷	۳۲	۱/۷	۳۰
۵/۳	۱۳۰	۵/۸	۱۲۶	۵/۸	۱۰۹	۶/۹	۱۱۶
۴/۸۶		۴/۹۲		۴/۸۴		۴/۹۴	

جدول

متوسط هزینه ناخالص سالیانه یک خانوار طی سالهای ۱۳۶۱

(هزار ریال)

۱۳۶۴		۱۳۶۳		۱۳۶۲		۱۳۶۱		گروههای اصلی هزینه
هزینه	درصد	هزینه	درصد	هزینه	درصد	هزینه	درصد	
۱۰۰/۰	۱۰۲۳۳	۱۰۰/۰	۱۰۲۴۵	۱۰۰/۰	۱۰۰۳۴	۱۰۰/۰	۹۳۴	جمع کل هزینه ناخالص
۴۱/۷	۵۱۴	۴۲/۳	۵۲۶	۳۷/۸	۳۹۱	۳۸/۹	۳۶۳	خوراک و دخانیات
۷/۳	۹۰	۷/۲	۸۹	۸/۰	۸۲	۸/۰	۷۵	پوشاک
۲۴/۶	۳۰۳	۲۴/۴	۳۰۴	۲۵/۶	۲۶۵	۲۶/۳	۲۴۶	مسکن، آب، سوخت و روشنایی
۵/۸	۷۲	۶/۲	۷۷	۷/۱	۷۳	۷/۵	۷۰	لوازم و اثاث خانه
۴/۳	۵۳	۳/۹	۴۹	۴/۲	۴۴	۳/۸	۳۶	درمان و بهداشت
۸/۰	۹۹	۸/۱	۱۰۱	۹/۹	۱۰۳	۸/۱	۷۵	حمل و نقل و ارتباطات
۱/۴	۱۷	۱/۴	۱۷	۱/۶	۱۶	۱/۶	۱۵	تفریح، تحصیل و مطالعه
۶/۹	۸۵	۶/۵	۸۱	۵/۸	۶۰	۵/۸	۵۴	کالاها و خدمات متفرقه
۴/۹۲		۴/۸۵		۴/۷۹		۴/۸۰		متوسط افراد خانوار

شماره ۱۵

به تفکیک گروههای اصلی هزینه در کل مناطق شهری (به قیمت ثابت)

تا ۱۳۶۸

۱۳۶۸		۱۳۶۷		۱۳۶۶		۱۳۶۵	
درصد	هزینه	درصد	هزینه	درصد	هزینه	درصد	هزینه
۱۰۰/۰	۷۸۸	۱۰۰/۰	۸۳۳	۱۰۰/۰	۸۹۲	۱۰۰/۰	۹۰۱۳
۴۳/۲	۳۴۱	۴۵/۵	۳۷۹	۴۲/۸	۳۸۲	۴۰/۵	۴۱۰
۷/۰	۵۵	۷/۳	۶۱	۸/۰	۷۲	۷/۹	۸۰
۲۷/۲	۲۱۵	۲۵/۱	۲۰۹	۲۵/۷	۲۲۹	۲۵/۴	۲۵۸
۳/۷	۲۹	۳/۴	۲۹	۴/۶	۴۱	۵/۲	۵۳
۶/۲	۴۸	۶/۴	۵۳	۵/۷	۵۱	۵/۱	۵۲
۵/۸	۴۶	۵/۴	۴۵	۶/۷	۶۰	۷/۷	۷۸
۰/۹	۷	۰/۷	۶	۰/۸	۷	۱/۰	۱۰
۵/۹	۴۶	۶/۲	۵۱	۵/۷	۵۱	۷/۲	۷۳
۴/۸۶		۴/۹۲		۴/۸۴		۴/۹۴	

جدول شماره ۱۱

شاخص متوسط هزینه ناخالص خانوارها به تفکیک گروههای اصلی هزینه در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸
(به قیمت ثابت ۱۰۰ = ۱۳۶۱)

گروههای اصلی هزینه	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	۱۳۶۸
جمع کل هزینه ناخالص	۱۰۰/۰	۱۱۰/۷	۱۳۳/۳	۱۳۲/۰	۱۰۸/۵	۹۵/۶	۸۹/۲	۸۴/۴
خوراک و دخانیات	۱۰۰/۰	۱۰۷/۷	۱۲۴/۸	۱۴۱/۴	۱۱۲/۹	۱۰۵/۰	۱۰۴/۲	۹۳/۸
پوشاک	۱۰۰/۰	۱۱۰/۱	۱۱۹/۵	۱۳۰/۷	۱۰۷/۱	۹۵/۹	۸۱/۰	۷۳/۷
سکن، آب، سوخت و روشنایی	۱۰۰/۰	۱۰۷/۸	۱۲۳/۶	۱۲۳/۰	۱۰۵/۰	۹۳/۰	۸۵/۲	۸۷/۶
لوازم و اثاث خانه	۱۰۰/۰	۱۰۴/۰	۱۱۰/۵	۱۰۲/۹	۷۵/۰	۵۸/۸	۴۰/۸	۴۱/۳
درمان و بهداشت	۱۰۰/۰	۱۳۱/۰	۱۳۵/۸	۱۳۸/۱	۱۴۲/۴	۱۴۱/۶	۱۳۶/۸	۱۳۴/۷
حمل و نقل و ارتباطات	۱۰۰/۰	۱۲۴/۳	۱۳۴/۰	۱۳۱/۱	۱۰۳/۲	۷۹/۵	۶۰/۰	۶۱/۰
تفریح، تحصیل و مطالعه	۱۰۰/۰	۱۰۸/۷	۱۱۷/۹	۱۱۷/۸	۶۷/۲	۵۰/۲	۴۳/۳	۵۰/۰
کالاهای خدمات متفرقه	۱۰۰/۰	۱۱۲/۱	۹۵۰/۴	۱۵۷/۲	۱۳۴/۸	۹۴/۳	۹۵/۲	۸۵/۷